دستگیری دزدان کلینیک ترک اعتیاد

۲ نفر از اعضای یک باند ۵ نفره که قصد سرقت از کلینیک ترک اعتیاد در پایتخت را داشتند، دستگیر شدند. اعضای این باند با پوشاندن صورتشان به وسیله ماسک و استفاده از دستکش، قصد سرقت از یک کلینیک ترک اعتیاد را داشتند که گشت پلیس سر رسید و موفق به دستگیری ۲ نفر از آنها شد.

عملیات نجات در بزرگراه

با تلاش آتش‌نشانان، مرد جوانی که زیر نیوجرسی سیمانی در بزرگراه شهید لشکری گرفتار شده بود، نجات یافت. این مرد در قسمتی از پل که گودبرداری شده بود، به‌علت نامعلوم زیر نیوجرسی سیمانی گیر کرده و دچار آسیب دیدگی شدید شده بود که آتش‌نشانان پایتخت، وی را نجات دادند.

جزئیات تکان‌دهنده از فعالیت بزرگ‌ترین باند موادمخدر کشور که سابقه قاچاق ۲هزار تن مواد را دارند

۹۹۹ سال حبس برای باند خانوادگی قاچاق موادمخدر

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

سرکردگان بزرگ‌ترین باند قاچاق موادمخدر کشور به اعدام محکوم شدند. اعضای این باند در مدت فعالیت‌شان قریب به ۲هزار تن موادمخدر را قاچاق کرده بودند و حالا ۷عضو اصلی باند به اعدام و ۵۸نفر دیگر درمجموع به ۹۹۹سال حبس محکوم شده‌اند.

به‌گزارش همشهری، مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان، درباره این باند گفت: اعضای این باند خانوادگی که در یکی از روستاهای اطراف بندرعباس فعالیت می‌کردند، پس از مدت‌ها تحقیقات و در جریان ۲۰عملیات ضربتی همزمان، دستگیر شدند. او ادامه داد: مدت فعالیت اعضای این باند ۱۰سال بود و علت عدم‌دستگیری‌شان این بود که اعضای باند نیابتی کار می‌کردند؛ یعنی خودشان پشت‌پرده بودند. در این سال‌ها که تحت تعقیب بودند، ۹مورد از محموله‌هایشان به همراه تعدادی از همدستان‌شان کشف شد و سرانجام سرکردگان باند نیز دستگیر شدند. او درباره روند رسیدگی قضایی به پرونده نیز گفت: متهمان در سال ۹۸ دستگیر شدند و پس از تحقیقات مقدماتی، پرونده در سال ۱۴۰۱ به دادگاه فرستاده شد و رسیدگی در دادگاه حدود ۲سال طول کشید. درنهایت برای ۷۰نفر از متهمان حکم صادر شد که ۷نفر از آنها به اعدام و ۵۸نفر به حبس‌های طولانی محکوم شدند؛ ۵نفر هم یا فوت یا تبرئه شدند. در این پرونده ۵۸متهم درمجموع به ۹۹۹سال حبس محکوم شدند. این پرونده ۱۵۲ جلد و ۳۱ نوار صفحه دارد. البته این حکم دادگاه بدوی است و هنوز رأی قطعی صادر نشده است. رأی این پرونده ۸۰۰صفحه و قرار مجرمیت هم ۱۲۵۰صفحه بود.

پشت پرده صاعقه

سرکردگان بزرگ‌ترین باند قاچاق موادمخدر کشور که صاعقه نام داشت، ۴برادر روستایی بودند که وضعیت مالی خوبی نداشتند؛ اما بعد از تشکیل باند قاچاق موادمخدر، زندگی‌شان از این‌رو به آن‌رو شد؛ به‌طوری که در سال ۹۴ در جریان عروسی یکی از آنها فقط ۲میلیارد تومان شاباش به داماد داد. آنها در این مدت حدود ۲هزار تن موادمخدر قاچاق کردند اما سرانجام همگی به جز یکی از برادران دستگیر شدند. یکی از مسئولان رسیدگی‌کننده به این پرونده در گفت‌وگو با همشهری پشت‌پرده این باند را افشا کرد.

از چه زمانی پی به فعالیت این باند برده بودید؟

قبلا در ایران مسیرهای قاچاق موادمخدر خاصی وجود داشت که مشخص بود و همین اشراف پلیس بر مسیرها مشکلات زیادی برای قاچاقچیان به‌وجود آورده بود، تا اینکه از حدود ۱۵ سال قبل آنها مسیرهای نوظهوری را برای این کار در نظر گرفتند. آنان به جای مسیرهای زمینی و دریایی شناسایی‌شده، مسیر تازه‌ای را در نظر گرفتند یعنی موادمخدر را ابتدا از جنوب پاکستان وارد بندر گواتر و بعد وارد کشور می‌کردند. این باند نخستین باندی بود که از این مسیر استفاده کرد و از همان زمان تحقیقات دراین‌باره آغاز شد.

آنها برای انتقال محموله‌ها از چه شناورهایی استفاده می‌کردند؟

ابتدا این کار را با لنج انجام می‌دادند؛ اما مشکل لنج برای آنها این بود که وقتی یک لنج لو می‌رفت، یک مرتبه مثلا ۱۰ تن موادمخدرشان از بین می‌رفت و سرمایه‌شان را از دست می‌دادند. به همین دلیل از قایق‌های تندرو استفاده کردند. این قایق‌ها بیش از ۲۰۰اسب بخار قدرت دارند. آنها برای اینکه بتوانند مسافت‌های طولانی را طی کنند، مخزن‌های اضافی بنزین را هم با خودشان حمل می‌کردند و بخش زیادی از وزن قایق را بنزین تشکیل می‌داد. این قایق‌ها ۲موتور دارند و اگر دچار مشکل شوند هم موادمخدر را در دریا خالی می‌کنند.

اولین مقصد آنها برای انتقال مواد از پاکستان کجا بود؟

مهم‌ترین ویژگی این نوع قاچاق موادمخدر استفاده از خورها است. در کشورهای دیگر از خورها به‌عنوان یک ظرفیت بزرگ گردشگری استفاده می‌شود؛ اما ما در این حوزه موفق نیستیم و به همین دلیل برخی از خورها تبدیل به محل فعالیت قاچاقچی‌ها شده‌اند. هرمزگان شمار زیادی خور دارد که قایق‌ها را به آنجا منتقل و تخلیه می‌کردند.

اعضای باند صاعقه چه کسانی‌اند؟

اعضای اصلی آن ۴برادرند. آنها اهل یکی از روستاهای اطراف بندرعباس‌اند و از ابتدای دهه ۸۰ کارشان را شروع کرده‌اند. خانواده‌بودن‌شان خیلی به پیشبرد کارشان کمک می‌کرد. از طرفی این باند کار عجیبی انجام داد و اعضای دیگر آن با خانواده‌های یکدیگر وصلت کردند و به این شکل همه با هم فامیل شدند. روستایی که اعضای این باند ساکن و اهل آنجایند، نزدیک خور است و این ویژگی نیز به آنها کمک زیادی می‌کرد.

تفاوت مهم این باند با سایر باندها این بود که در رأس آن یک نفر حضور نداشت؛ بلکه هسته‌ای از ۴برادر تشکیل شده بود که هرکدام وظایف مختص خود را داشتند. سرمایه‌شان واحد بود و همه در جهت تامین منافع گروه عمل می‌کردند. آنها باندهای زیرمجموعه داشتند که شامل باندهای دریایی حمل موادمخدر، باندهای حمل زمینی، شرکا، مخبران و... بود. در هرکدام از این زیرمجموعه‌ها چندین نفر فعالیت می‌کردند که در این پرونده از هر مجموعه تعداد زیادی دستگیر شده‌اند.

آنها برای قاچاق مواد شگرد خاصی داشتند؟

شگردشان به این شکل بود که ابتدا مواد را از پاکستان می‌خریدند و از آنجا وارد دریا می‌کردند؛ اما بعد افرادی را در شرق کشور پیدا می‌کردند و مواد را به آنها تحویل می‌دادند. آنها محموله را در خورهای جنوب سیستان و بلوچستان به قایق‌های دیگر اعضای باند تحویل می‌دادند و آنها هم از طریق دریا محموله را تا بندرعباس حمل می‌کردند.

حجم موادی که از سوی این باند قاچاق شده چقدر است؟

گزارش‌های مختلفی درباره میزان موادمخدر قاچاق‌شده از سوی این باند وجود دارد؛ مثلا پلیس مبارزه با موادمخدر معتقد است که اعضای این باند در سال دست‌کم ۵۰۰تن مواد قاچاق می‌کردند. در جریان بررسی دفاتری که از متهمان کشف شد، مشخص شد که آنها در ۲سال ۹۵ و ۹۶ دست‌کم ۸۶۰تن موادمخدر را جابه‌جا کرده‌اند که در این دفاتر همه اقدامات‌شان ثبت شده است و این از فعالیت گسترده این باند حکایت می‌کند. مثلا وقتی یک ناخدا را دستگیر کردیم، با بررسی‌های اعترافاتش پی بردیم که او حدود ۷۰تن موادمخدر برای این باند حمل کرده است. افراد زیادی در این باند کشته یا غرق شده‌اند. حتی موادمخدر قاچاق‌شده از سوی این باند در برخی کشورهای دیگر کشف و باعث تخریب وجهه کشورمان شد.

چند سال پیش کلیپی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد که از شاباش عجیب‌وغریب در جریان یک عروسی در هرمزگان حکایت داشت. آن مراسم متعلق به کدام‌یک از اعضای باند بود؟

تصویری از شاباش میلیاردی متهمان در یک عروسی

اموال کشف شده از متهمان
۸۶ مال غیرمنقول
اعم از خانه، مغازه
۱۱۸ دستگاه خودرو
۲ لنج، **۲۵۲** شتر
۱۵ کیلو طلا و جواهر

۱۰۰۰ میلیارد تومان ارزش اموال کشف‌شده از متهمان است.

باید گفت که اعضای این باند آسیب‌های اجتماعی زیادی را به منطقه وارد کرده‌اند. آنها در منطقه فقیری زندگی می‌کردند اما در مدت کوتاهی ثروتمند شدند و شکاف طبقاتی زیادی در منطقه ایجاد شد. مثلا یکی از این برادران در عروسی‌اش که در سال ۹۴ برگزار شد، ۲میلیارد تومان شاباش گرفت و بعد با بررسی دفاتر معلوم شد همه کسانی که شاباش‌های سنگین داده بودند، قاچاقچیان منطقه و از اعضای باند بودند که تعداد زیادی از آنها دستگیر شدند. در این عروسی با چمدان اسکناس آورده بودند و خیلی‌ها هم با دستگاه پوز پول پرداخت می‌کردند.

چطور فعالیت اعضای این باند ۱۰سال طول کشید؟

به‌دلیل اینکه آنها با افراد مختلف، مثلا با تعدادی از کارمندان بانک، در ارتباط بودند؛ به همین دلیل در روند رسیدگی به این پرونده تیم بزرگی از افرادی که برای این باند کارچاق‌کنی انجام می‌دادند، دستگیر شدند. اعضای این باند مجبور بودند برای پنهان کردن درآمدشان دست به پولشویی بزنند. مثلا خانم سالخورده‌ای در منطقه بلوچستان بود که بسیاری از پول‌های موادمخدر به نام این زن جابه‌جا می‌شد. پیوستگی زیادی بین موضوع قاچاق موادمخدر و قاچاق خودروهای لوکس در سراسر کشور وجود دارد. معمولا بخش زیادی از سرمایه قاچاقچیان موادمخدر در حوزه خودرو و طلاست؛ چون معامله‌اش راحت است و به‌صورت غیررسمی یا وکالتی انجام می‌شود. افرادی هم در ادارات مختلف با اعضای این باند همکاری می‌کردند. همه اینها باعث شده بود که فعالیت این باند پیچیده و لورفتن‌شان زمان‌بر شود. یکی دیگر از دلایلی که باعث شد این باند دیرتر لو برود، این بود که افراد خشنی نبودند. مثلا یکی از قاچاقچیان مطرح که چند سال قبل اعدام شد، به این دلیل دستگیر شد که درگیر می‌شد و خشن بود؛ اما اعضای این باند با رشوه یا روسفیدکردن خودشان کار را پیش می‌بردند؛ مثلا خودشان را خیر و مدرسه‌ساز و... معرفی می‌کردند.

مقصد نهایی این باند برای قاچاق موادمخدر کجا بود؟

حجم قاچاق موادمخدر از سوی اعضای این باند بسیار زیاد بود؛ آنقدر که ما این مقدار مصرف موادمخدر در کشور نداریم و درنتیجه بیشتر محموله‌ها از مسیرهای قاچاق ترانزیت می‌شد؛ بخشی به غرب هرمزگان، تهران و شیراز و بخشی به کشورهای اروپایی قاچاق می‌شد که همه آنها هم تریاک بود.

آنها پول‌های ناشی از معامله مواد را چطور جابه‌جا می‌کردند؟

از طریق خودرو، طلا و رمزارز.

اعضای این باند چطور دستگیر شدند؟

پس از تحقیقات شبانه‌روزی و رصدهای اطلاعاتی و بررسی‌های گسترده، رسیدگی به این پرونده ابتدا با دستگیری ۱۳متهم آغاز و در ادامه برای ۹۰نفر و سپس برای ۱۱۶نفر کیفرخواست صادر شد.

آن سوی مرز

قتل فجیع کودک ۱۱ساله توسط نامادری حسود

نامادری حسود که پسر ۱۱ساله همسرش را با ۱۸ضربه چاقو و شلیک یک گلوله به قتل رساند، از سوی دادگاهی در آمریکا مجرم شناخته شد.

به‌گزارش همشهری به نقل از میرر، ۲۵ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی، مردی به نام آل اشتاوچ که در گارد ملی آمریکا خدمت می‌کرد برای مأموریت از خانه‌اش خارج شد. او پس از جدایی از همسرش با زنی به نام لتسیا ازدواج کرده بود همراه او و فرزندش زندگی می‌کرد. اما ۲روز بعد از رفتن آل به مأموریت بود که لتسیا با پلیس تماس گرفت و آنها را در جریان گم شدن فرزند شوهرش به نام گنون قرار داد. او به پلیس گفت که گنون به خانه یکی از دوستانش رفته و دیگر برنگشته اما وقتی آل از مأموریت برگشت، ادعای همسرش را باور نکرد. او مأموران را متقاعد کرد تا تحقیقات شان را با جدیت بیشتری انجام دهند. در روزهای بعد، پلیس و ده‌ها نفر از مردم محلی به جست‌وجو برای پیدا کردن گنون پرداختند؛ اما ردی از او به دست نیامد. در این بین رفتار لتسیا، نامادری گنون، مشکوک به‌نظر می‌رسید. پلیس در تحقیقات بعدی، اتاق خواب گنون را بازرسی و ردی از خون روی تختخواب او و فرش اتاقش پیدا کرد. پلیس که به نامادری گنون مشکوک شده بود، او را زیرنظر گرفت. این زن هر بار داستان جدیدی از گم شدن گنون مطرح می‌کرد. او حتی یک‌بار ادعا کرد که مردی به خانه آنها آمده و به او تجاوز کرده و گنون را ربوده است. بدین‌ترتیب با توجه به اینکه پلیس به لتسیا مظنون شده بود، او را دستگیر کرد. هرچند هیچ جسدی پیدا نشده بود اما پلیس اعلام کرد که گنون به احتمال زیاد مرده است و لتسیا به قتل درجه یک متهم شد.

جست‌وجوها همچنان برای یافتن گنون ادامه داشت تا اینکه جسد وی زیر یک پل، صدها کیلومتر دورتر از خانه‌شان داخل یک چمدان پیدا شد. او بر اثر ۱۸ضربه چاقو، ضرب و شتم و شلیک یک گلوله به سر به قتل رسیده بود.

با کشف جسد، لتسیا به قتل فرزند شوهرش اعتراف کرد و به این ترتیب به اتهام قتل درجه یک و سایر اتهامات از جمله دروغ و منحرف کردن مسیر درست پرونده مجرم شناخته و راهی زندان شد.

هشدار

جواب ۱۰۰ میلیونی ترفند جدید کلاهبرداران تلفنی

«یک سؤال جواب بده، ۱۰۰ میلیون تومان جایزه بگیر». این جمله‌ای بود که کلاهبرداران تلفنی با استفاده از آن طعمه‌هایشان را فریب داده و حساب بانکی‌شان را خالی می‌کردند.

به گزارش همشهری، مدتی قبل مردی راهی پلیس فتای تهران شد و از دستبرد کلاهبرداران به‌حساب بانکی‌اش خبر داد. او گفت: چند روز پیش موبایلم زنگ خورد و وقتی گوشی را برداشتم، فردی مدعی شد که مجری یک مسابقه تلفنی بزرگ است. او می‌گفت مسابقه در حال برگزاری است و اگر فقط به یک سؤال مسابقه جواب درست بدهم، برنده جایزه ۱۰۰میلیون تومانی خواهم شد. من هم وسوسه شدم و آن مرد سؤال راحتی پرسید که جوابش را دادم و گفت که برنده جایزه ۱۰۰ میلیون تومانی شده‌ام و این جایزه تا دقایقی دیگر توسط همکارانش به حسابم واریز می‌شود. من هم منتظر ماندم تا سپس فرد دیگری که خود را همکار مجری مسابقه معرفی می‌کرد از من خواست شماره حساب و کارتم را اعلام کنم و بعد کدهایی را که از طریق پیامک برایم ارسال می‌شود را در اختیارش قرار دهم. من که از هیجان برنده شدن ۱۰۰ میلیون تومان کاملا گیج شده بودم، هر کدی که برایم ارسال می‌شد را در اختیار آن فرد قرار می‌دادم و لحظاتی بعد، درحالی که منتظر واریز پول به حسابم بودم، متوجه شدم همه موجودی حسابم ناگهان خالی شد. آنجا بود که فهمیدم فریب یک کلاهبردار تلفنی را خورده‌ام و آن کدهایی که به آنها داده بودم، رمز دوم و کدهای مورد نیاز برای برداشت از حسابم بوده است. با شکایت این مرد، تحقیقات پلیس برای شناسایی و دستگیری کلاهبرداران آغاز شد. درحالی که بررسی‌ها ادامه داشت شکایت‌های دیگری هم در اختیار پلیس قرار گرفت که از کلاهبرداری‌های سریالی با این شگرد تازه حکایت داشت. در همه این کلاهبرداری‌ها، مجرمان با گفتن این جمله که «یک سؤال جواب بده، ۱۰۰ میلیون تومان جایزه بگیر»، طعمه‌هایشان را فریب داده و حساب آنها را خالی کرده بودند.

ماموران پلیس با بررسی و ردگیری پول‌های کلاهبرداری شده و همچنین تماس‌های کلاهبرداران موفق به شناسایی تمامی اعضای این باند کلاهبردار شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که متهمان ۴مرد هستند که هر کدام در این باند وظیفه خاصی برعهده داشت. با شناسایی هویت متهمان، تمامی آنها در جریان عملیات جداگانه دستگیر شدند و بعد از انتقال به اداره پلیس، به کلاهبرداری اعتراف کردند.

سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران با بیان این خبر گفت: در تحقیق از اعضای این باند معلوم شد که آنها با این شگرد بیش از ۵۰۰میلیون تومان از طعمه‌هایشان کلاهبرداری کرده‌اند و بررسی‌های تکمیلی در این پرونده همچنان ادامه دارد.

داخلی

پایان سرقت‌های ماهرانه خواهران نامرئی

۲ خواهر با همدستی دخترعمویشان باندی تشکیل داده بودند به نام «نامرئی‌ها». آنها طعمه‌هایشان را در مقابل طلافروشی، اتوبوس و مترو شناسایی و به‌صورت حرفه‌ای، محتویات جیب‌هایشان را خالی می‌کردند.

به گزارش همشهری، چندی قبل زوجی جوان قدم به اداره پلیس گذاشتند و از سرقت طلایی که همراهشان بود خبر دادند. مرد جوان توضیح داد: برای فروش ۱۳۰گرم طلای همسرم به یک طلافروشی در تهران رفته بودیم اما طلافروش می‌خواست طلاها را زیر قیمت بردارد. به همین دلیل آنجا را ترک کردیم تا به مغازه دیگری برویم. در بین راه متوجه شدم که کیفم باز شده و طلاها به سرقت رفته است. شوکه شدم چون اصلا متوجه سرقت نشده بودم. فورا برگشتم به مغازه طلافروشی و پس از بازرسی دوربین‌های مداربسته مشخص شد که ۳زن قبل از ورود به مغازه، من و همسرم را زیرنظر داشتند. حتی وقتی وارد طلافروشی شدیم، یکی از آن ۳زن هم به بهانه خرید طلا و در نقش مشتری وارد طلافروشی شد. او اما فقط قیمت پرسید و خریدی انجام نداد.

دستگیری

با ثبت این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و مأموران پلیس تحقیقات خود را زیرنظر بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت آغاز کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که سرقت از سوی همان ۳زن رخ داده است. هر ۳نفر از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت و جیب‌بری بودند. ۲ نفرشان با یکدیگر خواهر و نفر سوم دخترعموی آنها بود. با این سرنخ، پاتوق‌های این ۳زن تحت نظر قرار گرفت اما آنها فراری شده بودند. جست‌وجو برای یافتن ۳متهم ادامه داشت تا اینکه ۲نفرشان سر بزنگاه و هنگام جیب‌بری در ایستگاه اتوبوسی واقع در کرج و نفر سوم در قم دستگیر شدند.

تحقیقات نشان می‌داد که ۲ خواهر و دخترعمویشان نام باند خود را نامرئی گذاشته‌اند. آنها به‌صورت کاملا حرفه‌ای، از طعمه‌هایشان سرقت می‌کردند؛ به‌طوری که هیچ فردی متوجه نمی‌شد. اما در آخرین سرقت خود، تصور نمی‌کردند شاهد زیرکی آنها را زیرنظر دارد و باعث دستگیری‌شان خواهد شد. اعضای این باند نامرئی برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته‌اند. آنچه مسلم است متهمان نه‌تنها در پایتخت بلکه در شهرهای دیگر هم دست به جیب‌بری و سرقت می‌زدند که بررسی‌ها در این زمینه ادامه دارد.

اجیر کردن کارفرما برای قتل همسر

تحقیقات در پرونده قتل مرد جوان که جسد خونین وی در آپارتمانش کشف شده، نشان می‌دهد که همسر وی برای اجرای یک توطئه هولناک، کارفرمای خود را اجیر کرده بود تا جان همسرش را بگیرد.

به گزارش همشهری، چند روز پیش زنی جوان با پلیس تماس گرفت و مدعی شد همسایه‌شان به قتل رسیده است. او به اپراتور پلیس ۱۱۰ گفت: دقایقی قبل زنی جوان که همراه همسرش در همسایگی ما زندگی می‌کنند با من تماس گرفت و خواست مقابل خانه آنها بروم و از حال همسرش که در خانه بود باخبر شوم. او می‌گفت نگران همسرش است، اما وقتی مقابل خانه‌شان رفتم، در باز بود و از لای در جسد غرق در خون همسر او را دیدم که روی زمین افتاده بود.

با این تماس، تیمی از مأموران، راهی محل حادثه که یکی از محله‌های پایتخت بود، شدند. مقتول مردی حدوداً ۳۷ساله بود که در رختخواب، بر اثر اصابت ضربه جسمی سخت به سر به قتل رسیده بود. همسرش نخستین مظنون پرونده بود، اما ادعا می‌کرد که در زمان جنایت در خانه حضور نداشته است. او گفت: ساعت ۱۰ صبح دیروز برای دیدن یکی از بستگانم به خانه‌اش رفتم و شب آنجا ماندم. صبح که شد هرچه با همسرم تماس گرفتم، جواب نداد و برای همین از همسایه‌مان خواستم مقابل خانه‌مان برود. نمی‌دانم چه‌کسی شوهرم را به قتل رسانده است.

خیانت

در ادامه معلوم شد که زن جوان دروغ می‌گوید. به این ترتیب بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و باز داستان خیالی‌ای را بازگو کرد. او گفت که احتمالا مردان نقابدار وارد خانه‌شان شده و جان شوهرش را گرفته‌اند. سرانجام این زن روز گذشته اسرار قتل شوهرش را بازگو کرد و گفت کارفرمایش به زندگی شوهرش پایان داده است. وی گفت: با شوهرم اختلافات شدیدی داشتم؛ به‌طوری که می‌خواستم از او جدا شوم. شوهرم اما حاضر نبود طلاقم بدهد. یک روز که حالم بد بود، کافرمایم نزد من آمد تا جویای احوالم شود. من در یک کارگاه کار می‌کنم و آن روز سفره دلم را برای کارفرمای خود باز کردم. به او گفتم که با شوهرم اختلاف دارم و او مرا اذیت می‌کند. به تدریج میان ما علاقه به وجود آمد تا اینکه تصمیم به قتل شوهرم گرفتیم. قرار شد شب حادثه من به خانه یکی از بستگانم بروم و کارفرمایم وارد خانه‌ام شود و جان شوهرم را بگیرد. او هم آن شب نقشه را اجرا کرد و بعد به من پیام داد که کار تمام شده است.

با اعترافات تازه این زن، بازپرس جنایی دستور بازداشت کارفرما را صادر کرد.

پیشنهاد مرگبار رئیس به قاچاقچی بدهکار

جنایی

قاچاقچی جوان که بدهی سنگینی داشت، به پیشنهاد رئیس باند بسته‌های شیشه را در معده‌اش جاسازی کرد تا آن را به زندان ببرد اما باز شدن بسته‌ها سرنوشت هولناکی را برایش رقم زد.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای زمستان سال گذشته، گزارش مرگ مرموز مردی جوان به بازپرس جنایی تهران مخابره شد. او که حدودا ۴۰ساله بود در آپارتمانی در شرق تهران جان باخته بود و ۲۴ تا ۴۸ ساعت از مرگش می‌گذشت. به گفته خانواده‌اش، وی شهروز نام داشت و از سال‌ها قبل در آن آپارتمان به تنهایی زندگی می‌کرد.

تیم جنایی در ادامه تحقیقات متوجه شد که شهروز به موادمخدر اعتیاد داشته و خانه‌اش پاتوق خلافکاران بوده است. با توجه به مرموز بودن مرگ این مرد، بازپرس جنایی دستور داد تا جسد وی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود و آنجا بود که مشخص شد وی به‌دلیل مشکل حاد تنفسی ناشی از مسمومیت دارویی جانش را از دست داده است. پزشکان پس از کالبدشکافی جسد متوفی، با ۱۸ بسته ماده مخدر شیشه در معده او مواجه شدند و معلوم شد که باز و ترکیده شدن ۲ بسته شیشه در معده مرد جوان، منجر به مرگ وی شده است. هنوز به درستی مشخص نبود که چرا شهروز، بسته‌های شیشه را در معده‌اش جاسازی کرده است. تحقیقات برای کشف اسرار این پرونده ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل دوست شهروز قدم در دادسرای جنایی تهران گذاشت و گفت می‌خواهد راز مرگ وی را فاش کند. وی توضیح داد: شهروز از دوستان صمیمی‌ام بود و بدهی سنگینی بالا آورده بود. وضعیت مالی‌اش خیلی خراب شده بود و چون دست من هم خالی بود نمی‌توانستم کمک مالی‌ای به او کنم. شهروز از من خواسته بود تا یک کار خوب برایش پیدا کنم تا اینکه چند وقت قبل از حادثه با یک قاچاقچی حرفه‌ای ملاقات کردم. او رئیس یک باند بزرگ بود

و همه گادفادر صدایش می‌زدند. برای او تعریف کردم که دوستم دچار مشکل مالی شده است و گادفادر گفت که برای او شغلی با دستمزد عالی سراغ دارد. وی ادامه داد: فورا سراغ شهروز رفتم و او را به رئیس مافیا معرفی کردم. شهروز پیش او رفت و چون بدهکار بود کار را قبول کرد. رئیس مافیا از شهروز خواسته بود تا یک جرم معمولی و سبک انجام بدهد و به زندان ورود کند تا بتواند موادمخدر را میان مشتریان رئیس مافیا که در زندان بودند، توزیع کند. شهروز هم به‌دلیل بدهی و دستمزد عالی رئیس مافیا، پیشنهاد وی را قبول کرده بود. آنطور که متوجه شدم او روز حادثه بسته‌های شیشه را بلعیده و در معده‌اش جاسازی کرده بود. آخرین‌بار به من زنگ زد و گفت بسته‌ها را بلعیده و قصد دارد به خیابان برود تا پلیس دستگیرش کند. وی ادامه داد: شهروز می‌گفت به پیشنهاد رئیس مافیا، یک افشانه و شوکر خریده است. او می‌خواست به خیابان برود و رفتارهای مشکوکی مقابل مأموران پلیس انجام دهد تا او را بازرسی و دستگیرش کنند. سپس وارد زندان شود و بسته‌ها را به‌دست مشتریان برساند. می‌گفت جرمش سبک است و زود آزاد خواهد شد اما تصور نمی‌کرد که مرگ در انتظارش باشد. من هم دچار عذاب وجدان شده‌ام چون من او را به رئیس مافیا معرفی کردم. پس از افشای حقیقت، بازپرس جنایی دستور تحقیقات بیشتر و دستگیری افرادی که در زمینه قاچاق شیشه فعالیت دارند را صادر کرد.